

بررسی تأثیر ویژگی‌های نظام راهبری شرکتی بر مدیریت سود و مدیریت مالیاتی در بورس تهران

محسن دستگیر^۱، علیرضا طابوسیان^{۲*}

چکیده

هزینه مالیات از جمله هزینه‌هایی است که در صورت سود و زیان ظاهر می‌شود و تأثیر زیادی بر سود خالص شرکت دارد. چنانچه مدیر بتواند نرخ مؤثر مالیات را در بلند مدت کاهش داده و مالیات کمتری پرداخت کند، مالیات را مدیریت نموده است. هرچه این امر بهتر انجام شود عملکرد بهتری برای مدیریت شرکت در پی خواهد داشت زیرا منجر به افزایش سود خالص شرکت پس از مالیات و کاهش خروج وجه نقد می‌شود. هدف این تحقیق بررسی تأثیر نظام راهبری شرکتی بر مدیریت سود و مدیریت مالیاتی در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد. آزمون فرضیه‌ها از روش رگرسیون چندمتغیره با استفاده از داده‌های تابلویی و برای دوره زمانی ۱۳۸۷ الی ۱۳۹۳ بوده و شرکت‌های نمونه این تحقیق نیز با استفاده از روش حذف سیستماتیک به تعداد ۱۶۰ شرکت از میان شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران انتخاب شدند. نتایج نشان داد که ویژگی‌های نظام راهبری شرکتی شامل اندازه هیأت مدیره، استقلال و پاداش هیأت مدیره باعث کاهش مدیریت مالیاتی و مدیریت سود می‌شوند که این نتایج مطابق با تئوری نمایندگی بوده و توانایی این ابزارهای نظارتی در کاهش مدیریت سود شرکت‌ها را نشان می‌دهد. به طور کلی هنگامی که هیأت مدیره مستقل و از نسبت بالایی از اعضای غیر موظف تشکیل شده باشد، فرار مالیاتی شرکت کاهش می‌یابد و در نتیجه، مدیریت مالیاتی نیز کم‌تر می‌شود.

واژه‌های کلیدی: مدیریت سود، مدیریت مالیاتی، حاکمیت شرکتی.

۱. استاد بازنشسته حسابداری دانشگاه شهید چمران اهواز و استاد حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان
۲. کارشناس ارشد حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان

تاریخ دریافت مقاله: ۹۵/۹/۱

تاریخ پذیرش مقاله: ۹۵/۱۰/۲۰

*نویسنده مسئول: علیرضا طابوسیان

atabousian@googlemail.com

مقدمه

امروزه نقش نظام‌های مالیاتی در هر کشوری در تأمین درآمدها از محل منابع مالیاتی بر هیچکس پنهان نیست. در بخش اجتماعی، هدف اصلی وضع مالیات، کم کردن فاصله تأمین طبقاتی و توزیع مجدد درآمدهاست. هدف اقتصادی از وضع مالیات‌ها، تثبیت نوسانات اقتصادی، تخصیص بهینه تأمین منابع بین بخش‌های مختلف و کمک به تسریع فرآیند توسعه بخشی یا منطقه ای می‌باشد و هدف بودجه‌ای دولت‌ها از وضع مالیات‌ها نیز، تأمین مالی بودجه دولت می‌باشد (حبیبی‌کمیجانی، ۱۳۹۰). به دلیل نقش خاص مالیات و تأثیرات آن، موضوع مالیات، قوانین و ساز و کارهای مربوط به آن، از دیر باز مورد توجه صاحب‌نظران اقتصاد، مالیه عمومی، سیاسیون، تشکل‌ها و حتی عموم مردم قرار داشته است (سعیدی و کلامی، ۲۰۱۲). در حقیقت، به نوعی، پرداخت هزینه زندگی اجتماعی می‌باشد. با این حال، مالیات بر درآمد از منظر شرکت‌ها هزینه است و شرکت‌ها انگیزه خواهند داشت به منظور افزایش ارزش شرکت، تا حد ممکن در هزینه‌های خود صرفه‌جویی نمایند (ولک و همکاران، ۲۰۱۳). از جمله موضوعات بسیار مهم که در حال حاضر در اکثر پژوهش‌ها مورد توجه است، بحث مدیریت مالیات (اجتناب) و فرار مالیاتی و عوامل مؤثر بر آن و نتایجی است که از آن حاصل می‌شود. از دیدگاه نظری، منظور از اجتناب مالیاتی، تلاش در جهت کاهش مالیات‌های پرداختی است (اریکسون و همکاران، ۲۰۰۴). فرار مالیاتی نوعی تخلف قانونی، اما مدیریت مالیات، در واقع نوعی استفاده از خلاءهای قانونی در قوانین مالیاتی در جهت کاهش مالیات است. بنابراین، از آنجایی که مدیریت مالیاتی، فعالیتی به ظاهر قانونی است به نظر می‌رسد که بیش‌تر از فرار مالیاتی در معرض دید باشد و چون مدیریت مالیاتی در محدوده‌ای معین جهت استفاده از مزایای مالیاتی است و به طور عمده قوانین محدود کننده‌ای در زمینه کنترل مدیریت مالیاتی وجود ندارد (اعتمادی و همکاران، ۱۳۸۸)، بنابراین، به نظر می‌رسد بسیاری از شرکت‌ها درگیر مدیریت مالیاتی باشند و به همین دلیل تعیین عوامل تأثیرگذار بر سطح مدیریت مالیاتی در شرکت‌ها دارای اهمیت زیادی است.

راهبری شرکتی نیز از جمله عواملی است که می‌تواند بر فعالیت‌های مالیات اثر بگذارد. هیأت مدیره کارا یکی از این اجزاء حاکمیت شرکتی می‌باشد. هیأت مدیره و مدیر عامل نقشی غیرقابل انکار در انتخاب راهبرد مدیریت مالیات ایفا می‌کنند، زیرا این افراد باید درباره تخصیص بهینه منابع شرکت، عملکرد آن و همچنین افزایش ثروت سهامداران پاسخگو باشند. مدیری که به دنبال بهبود میزان فروش شرکت خود باشد در درجه اول به فکر افزایش نرخ رشد فروش می‌باشد و در نتیجه در هزینه تبلیغات و توسعه ظرفیت تولیدی شرکت سرمایه‌گذاری می‌کند و منابع را به این سمت سوق می‌دهد. پس از این، از آنجا که معمولاً سود شرکت مورد توجه

استفاده‌کنندگان اطلاعات قرار می‌گیرد، مدیر باید در فکر افزایش رقم مزبور نیز باشد. مدیریت سود و اجتناب مالیاتی، یکی از مهم‌ترین ابزارها در رسیدن به این هدف می‌باشد. هزینه‌های مالیاتی یکی از مهم‌ترین هزینه‌های شرکت‌ها را تشکیل می‌دهد و موجب خروج نقدینگی از شرکت‌ها شده و سود سهام‌داران را کاهش می‌دهد لذا اتخاذ سیاست‌های مالیاتی از جمله ختم‌شده‌هایی است که در ارزیابی عمل مدیران از سوی سهامداران و همچنین کل بازار سرمایه مورد توجه قرار می‌گیرد. با توجه به این مطالب هدف این تحقیق بررسی تأثیر ویژگی‌های نظام راهبری شرکتی بر مدیریت سود و مدیریت مالیاتی در بورس تهران می‌باشد.

مبانی نظری تحقیق

وجود تضاد منافع بین ذی‌نفعان در شرکت‌ها مشکلات متعددی همچون تئوری نمایندگی و مشکلات ذی‌نفعان را به همراه داشته و بحث‌های متعددی را موجب شده است که موضوع حاکمیت شرکتی از اصلی‌ترین آن‌هاست که به منظور کاهش تئوری نمایندگی و عدم تقارن اطلاعاتی بین سهامداران و مدیران می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد. بررسی تعاریف، مفاهیم و دیدگاه‌ها مراجع و صاحب‌نظران حکایت از آن دارد که حاکمیت شرکتی یک مفهوم چندرشته‌ای است که هدف نهایی آن دستیابی به عواملی مانند پاسخگویی، شفافیت، عدالت و رعایت حقوق ذی‌نفعان است. همچنین، هدف از اعمال حاکمیت شرکتی، اطمینان یافتن از وجود چارچوبی است که توازن مناسبی بین آزادی عمل مدیریت، پاسخگویی و منافع ذی‌نفعان فراهم آورد (آقایی و همکاران، ۱۳۹۴). نتایج بسیاری از تحقیقات تجربی صورت گرفته در سایر کشورها نیز نشان می‌دهد که اگر اصول راهبری شرکت‌ها قوی باشد منجر به عملکرد بهتر شرکت می‌شود. یکی از عناصری که مرتبط با عملکرد شرکت‌ها می‌باشد مبحث مدیریت مالیات است. چنانچه مدیریت بتواند نرخ مؤثر مالیات را در بلندمدت کاهش داده و مالیات کم‌تری پرداخت کند، مالیات را مدیریت نموده است. هرچه این امر بهتر انجام شود، عملکرد بهتری را برای مدیریت شرکت در پی خواهد داشت، زیرا منجر به افزایش سود خالص پس از مالیات و همچنین کاهش جریان‌های نقدی خروجی از بابت مالیات خواهد شد.

هیأت مدیره مهم‌ترین عامل در کنترل و نظارت بر مدیریت شرکت و محافظت از منابع سهامداران قلمداد می‌شود. یکی از مباحث طرح شده در زمینه موضوع هیأت مدیره، بر مسأله ترکیب هیأت مدیره تمرکز دارد. در این زمینه که چگونه ترکیب هیأت مدیره بر نظارت و در نتیجه بر عملکرد تأثیر می‌گذارد، نظرات مغایری وجود دارد ادبیات موجود بیانگر آن است که ترکیب هیأت مدیره با میزان مسائل نمایندگی مرتبط است. نتیجه این ادبیات بیانگر آن است که

شرکت‌ها با هیأت‌های بزرگ‌تر و مدیران داخلی بیش‌تر تمایل به مسائل نمایندگی بیش‌تر دارند، برعکس مؤسسات تجاری با هیأت‌های کوچک و درصد بیش‌تر مدیران غیر موظف با رفاه سهامداران و عملکرد مؤسسه تجاری ارتباط بیش‌تری دارند، هیأت مدیره با اندازه کوچک‌تر آسان‌تر می‌تواند مدیریت را در تخصیص و تسهیم دارایی‌ها برای مدیریت مالیات متقاعد کند، بنابراین اندازه هیأت مدیره یکی از عوامل اثرگذار بر مالیات می‌باشد (مینیک و نوگا، ۲۰۱۰). ترکیب هیأت مدیره به عنوان نسبت اعضای غیرموظف هیأت مدیره به کل تعداد اعضای هیأت مدیره نگریسته می‌شود. هر چه ترکیب هیأت مدیره از اعضای مستقل‌تری تشکیل شده باشد، مشکلات نمایندگی کم‌تر می‌گردد. برخلاف مدیران موظف، مدیران غیر موظف از مدیریت شرکت مستقل هستند و به همین دلیل در ایفای نقش نظارتی خود مؤثرتر عمل می‌نمایند. از این رو، از دیدگاه نظری، هنگامی که هیأت مدیره مستقل و از نسبت بالایی از اعضای غیر موظف تشکیل شده باشد، فرار مالیاتی شرکت کاهش می‌یابد در نتیجه، انتظار می‌رود در شرکت‌هایی که تعداد اعضای غیر موظف هیأت مدیره بیش‌تر است، شکاف مالیاتی کم‌تر باشد. همچنین، هیأت مدیره‌های مستقل‌تر در یک موقعیت بهتر برای سوق دادن منابع به سمت مدیریت مالیات هستند، زیرا آن‌ها به دلیل استقلالشان یک بینش وسیع‌تر از شرکت و عملکرد کلی آن دارند (مینیک و نوگا، ۲۰۱۰). از طرف دیگر سود شرکت مطابق الزامات استانداردهای حسابداری محاسبه و گزارش می‌شود. در صورتی که سودی که باید برای محاسبه مالیات به کار رود در محاسبات اداره دارایی طبق قوانین مالیات‌های مستقیم خواهد بود. در هر صورت شرکت‌ها ممکن است مایل به پرداخت مالیات بیش‌تر به دولت نباشند، لذا تمایل خواهند داشت که سود را دستکاری و مدیریت کنند تا مالیات کم‌تری نیز پرداخت نمایند. شرکت‌هایی که تفاوت‌های مالیات دفتری آن‌ها زیاد باشد به عنوان شرکت‌های دارای گزارشگری مالیاتی متهورانه یا دارای مالیات مدیریت شده در نظر گرفته می‌شوند. منظور از گزارشگری مالیاتی متهورانه، دستکاری رو به پایین سود مشمول مالیات از طریق برنامه‌ریزی مالیاتی است. طبق بررسی‌های انجام شده اولویت‌بندی عوامل مؤثر بر ایجاد اختلاف بین سود ابرازی و سود مشمول مالیات اشخاص حقوقی عبارتند از فرارهای مالیاتی، اختلاف بین اصول حسابداری قوانین مالیاتی، شرایط اقتصادی، حد نصاب‌های مقرر در قوانین مالیاتی (طالب‌نیا و موثق، ۱۳۹۰).

تحقیقات پیشین نشان می‌دهند که برخی مدیران در هنگام مواجهه با تصمیم‌گیری‌های مالی و مالیاتی، به منظور بالا بردن سود دفتری می‌بایست متحمل هزینه‌های مالیاتی بیش‌تری نیز شوند. به طور مشابه مدیران در تلاش برای کاهش سود گزارش شده به مقامات مالیاتی، می‌بایست سود کم‌تری برای سهامداران گزارش نمایند. در نتیجه متحمل هزینه‌های گزارشگری

مالی می‌شوند. در واقع، مدیران همواره با این چالش روبرو هستند که سود را کم‌تر و یا بیش‌تر از میزان واقعی گزارش کنند. گاهی برای دریافت پاداش بالاتر سود را بیش‌تر از میزان واقعی (حداکثرسازی سود) و گاهی برای پرداخت مالیات کم‌تر سود را کم‌تر از میزان واقعی (حداقل‌سازی سود) گزارش می‌کنند. مدیران برای دستکاری میزان سود معمولاً از ارقام تعهدی اختیاری استفاده می‌کنند. به عنوان مثال، برای افزایش میزان سود ممکن است نرخ مطالبات مشکوک‌الوصول را افزایش دهند و یا برای کاهش سود ممکن است روش استهلاک دارایی‌ها را از روش مستقیم به روش نزولی مضاعف تبدیل کنند.

با توجه به این مطالب یکی از مواردی که انتظار می‌رود با مدیریت مالیات و مدیریت سود رابطه داشته باشد ساز و کارهای حاکمیت شرکتی می‌باشد. اصلی‌ترین سؤال در تحقیقات مالی انجام شده پیرامون ساز و کارهای مزبور، این است که آیا این ساز و کارها محرکی برای مدیریت سود می‌باشند یا خیر؟ این تحقیق در پی تبیین رابطه بین خصوصیات اصول راهبری شرکت‌ها و مدیریت سود ارقام تعهدی و مدیریت مالیات می‌باشد. در این راستا به طور ویژه به بررسی تأثیر ویژگی‌های نظام راهبری شرکتی بر مدیریت مالیات و مدیریت سود پرداخته خواهد شد.

پیشینه تحقیق

دالیول (۲۰۰۹) در تحقیق خود به بررسی این موضوع پرداختند که آیا تفاوت‌های بین سود دفتری و سود مشمول مالیات نشان دهنده تفاوت در هزینه سرمایه شرکت‌هاست؟ نتایج تحقیق آن‌ها نشان داد که تفاوت‌های مالیات دفتری رابطه مثبت و معناداری با هزینه سرمایه شرکت‌ها دارد. مینیک و نوگا (۲۰۱۰) در مطالعه‌ای اثرات ویژگی‌های اصول راهبری شرکت‌ها را بر مدیریت مالیات جستجو نمودند. آن‌ها نشان دادند که طرح‌های پاداش به عنوان محرکی برای مدیران جهت سرمایه‌گذاری در طرح‌های بلندمدت و مالیات کاه عمل می‌کند.

لنیس و ریچاردسون (۲۰۱۱) تحقیقی با عنوان اثرات ترکیب هیأت مدیران بر اقدام‌های متهورانه و تقلیل دهنده مالیاتی انجام دادند و در نتایج رگرسیون لجستیکی که برای نمونه انتخابی از ۳۲ شرکت که شامل ۲۱ شرکت دارای رفتارهای متهورانه و ۲۱ شرکت بدون رفتارهای متهورانه مالیاتی بود، به این نتیجه رسیدند که وجود سهم بالایی از اعضای خارجی در هیأت مدیره، احتمال رفتارهای متهورانه و تقلیل دهنده مالیاتی را کاهش می‌دهد.

جادسون و لوکس (۲۰۱۴) در تحقیقی به بررسی رابطه بین ویژگی‌های حاکمیت شرکتی و مدیریت سود با محافظه‌کاری در بورس آمریکا طی دوره ۱۹۹۹ تا ۲۰۱۲ پرداخت. نتایج تحقیق نشان داد که ویژگی‌های هیأت مدیره باعث کاهش مدیریت سود و محافظه‌کاری می‌شود و وجود

تعداد بالای اعضای مستقل هیأت مدیره باعث کاهش عدم تقارن اطلاعاتی و کاهش محافظه‌کاری و کاهش مدیریت سود می‌شود.

مالیدا و انوار (۲۰۱۵) در تحقیقی به بررسی رابطه بین حاکمیت شرکتی، مدیریت سود و مدیریت مالیات در بورس اندونزی پرداختند. در این تحقیق که معیارهای حاکمیت شرکتی شامل تعداد اعضای هیأت مدیره، استقلال هیأت مدیره بود نتایج حاکی از آن بود که بین استقلال هیأت مدیره و مدیریت مالیاتی رابطه منفی و معنی‌دار وجود دارد و بین اندازه هیأت مدیره با مدیریت مالیاتی رابطه مثبت مشاهده شد. همچنین بین معیارهای حاکمیت شرکتی و مدیریت سود رابطه منفی وجود دارد و معیارهای حاکمیت شرکتی و مدیریت سود تأثیر قابل توجهی بر مدیریت مالیات دارند.

هیرال ازلان و همکاران (۲۰۱۵) در تحقیق خود به بررسی تجربی تأثیر استقلال هیأت مدیره بر رابطه بین حاکمیت شرکتی و اجتناب از مالیات در بورس مالزی پرداختند. آن‌ها بیان کردند که بین ویژگی‌های حاکمیت شرکتی و اجتناب از مالیات رابطه معناداری وجود دارد. و هرچه حاکمیت شرکتی قوی‌تر باشد باعث کاهش فرار مالیاتی و اجتناب از مالیات می‌شود. همچنین استقلال هیأت مدیره نیز باعث تعدیل این رابطه می‌شود.

طالب‌نیا و موثق (۱۳۹۰) در تحقیقی تحت عنوان "علل عمده وجود اختلاف بین سود ابرازی و سود مشمول مالیات" به این نتیجه دست یافتند که فرارهای مالیاتی و اختلاف میان اصول حسابداری و قوانین مالیاتی از عوامل عمده وجود اختلاف بین سود ابرازی و سود مشمول مالیات هستند.

خانی و سلطانی (۱۳۹۲) در تحقیقی به بررسی گزارشگری مالی متهورانه و رابطه آن با گزارشگری مالیاتی متهورانه پرداختند. برای این منظور، ۶۷ شرکت نمونه در بازه زمانی ۱۳۸۳ تا ۱۳۸۸ بررسی شد. در این تحقیق برای اندازه‌گیری گزارشگری مالی متهورانه از باقیمانده‌های مدل تعدیل‌شده جونز استفاده شد و برای اندازه‌گیری گزارشگری مالی متهورانه تفاوت‌های مالیات دفتری محاسبه شد. نتایج تحقیق بیانگر این بود که همبستگی مثبت و معناداری بین گزارشگری مالی متهورانه و گزارشگری مالیاتی متهورانه وجود دارد.

دیدار و همکاران (۱۳۹۳) به بررسی تأثیر سازوکارهای حاکمیت شرکتی بر شکاف مالیاتی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. برای این منظور، ۱۱۰ شرکت نمونه برای یک دوره شش ساله در بازه زمانی ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰ بررسی شد. نتایج پژوهش بیانگر این بود که رابطه متغیرهای استقلال هیأت مدیره، مالکیت دولتی، نوع اظهار نظر حسابرس، تغییر حسابرس و اهرم مالی با شکاف مالیاتی، منفی است و متغیرهای حسابرسی داخلی و اندازه

شرکت رابطه مثبتی با شکاف مالیاتی دارند. همچنین متغیرهای دوگانگی نقش مدیرعامل، سهامداران نهادی و معامله با اشخاص وابسته، رابطه معناداری با شکاف مالیاتی ندارند. هرمزی (۱۳۹۵) در تحقیقی به بررسی اثر تعدیل‌کنندگی استقلال هیأت مدیره بر رابطه بین ساختار مالکیت و اجتناب از مالیات در بورس اوراق بهادار تهران طی دوره زمانی ۱۳۸۷ الی ۱۳۹۳ با استفاده از اطلاعات ۱۵۰ شرکت پرداخت. یافته‌های تحقیق نشان داد که بین مالکیت نهادی و مدیریتی با اجتناب از مالیات رابطه منفی و معکوسی وجود دارد و استقلال هیأت مدیره نیز باعث تعدیل این رابطه شده و آن را افزایش می‌دهد. بندریان (۱۳۹۵) در تحقیقی به بررسی تأثیر محافظه‌کاری حسابداری بر رابطه بین مدیریت سود و گزارشگری مالیاتی متهورانه در بورس اوراق بهادار تهران پرداخت. این تحقیق که برای دوره زمانی ۱۳۸۵ الی ۱۳۹۳ با استفاده از اطلاعات ۲۱۰ شرکت و به روش حداقل مربعات تعمیم‌یافته با چیدمان داده‌های تلفیقی انجام شده بود نشان داد که بین مدیریت سود و محافظه‌کاری حسابداری با گزارشگری مالیاتی متهورانه رابطه مثبت و معنی‌دار وجود دارد. به عبارتی در شرکت‌هایی که مدیریت سود بالا است، سیاست مالیاتی آن شرکت‌ها متهورانه‌تر بوده و دارای اختلافات مالیاتی بیش‌تری در مقایسه با بقیه شرکت‌ها هستند زیرا این شرکت‌ها سعی در جابجایی و ممانعت از خروج مالیات و نقدینگی از شرکت خواهند نمود.

فرضیه‌های پژوهش

با توجه به مبانی نظری، فرضیات به شرح زیر تدوین شده‌اند:

- فرضیه اول: اندازه هیأت مدیره بر مدیریت مالیاتی تأثیر معناداری دارد.
- فرضیه دوم: استقلال هیأت مدیره بر مدیریت مالیاتی تأثیر معناداری دارد.
- فرضیه سوم: پاداش هیأت مدیره بر مدیریت مالیاتی تأثیر معناداری دارد.
- فرضیه چهارم: اندازه هیأت مدیره بر مدیریت سود تأثیر معناداری دارد.
- فرضیه پنجم: استقلال هیأت مدیره بر مدیریت سود تأثیر معناداری دارد.
- فرضیه ششم: پاداش هیأت مدیره بر مدیریت سود تأثیر معناداری دارد.

روش‌شناسی پژوهش

این تحقیق از نوع تحقیقات شبه‌تجربی در حوزه تحقیقات اثباتی حسابداری می‌باشد و از حیث هدف، از نوع تحقیقات کاربردی می‌باشد. روش پژوهش حاضر از نوع استقرایی و از نظر بعد زمانی نیز، از نوع تحقیقات پس‌رویدادی است. زیرا از اطلاعات تاریخی شرکت‌های نمونه برای آزمون

فرضیه‌ها استفاده می‌شود. اطلاعات مورد نیاز شرکت‌ها نیز از بانک اطلاعاتی رهاورد نوین و وبگاه الکترونیکی سازمان بورس اوراق بهادار استخراج شده است. همچنین برای آزمون فرضیه‌های پژوهش از مدل رگرسیون چندمتغیره با تکیه بر رویکرد داده‌های ترکیبی و به کمک نرم‌افزار Eviews^۹ استفاده شده است. جامعه آماری پژوهش حاضر نیز، شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران از ابتدای سال ۱۳۸۷ تا پایان سال ۱۳۹۳ به مدت ۷ سال بوده است که در طی این دوره عضویت خود را در بورس اوراق بهادار حفظ کرده‌اند. افزون بر این، جامعه آماری با استفاده از شرایط زیر تعدیل شده است:

(۱) شرکت باید قبل از سال ۱۳۸۷ در بورس پذیرفته‌شده و از ابتدای سال ۱۳۸۷ سهام آن در بورس معامله شده باشد؛ (۲) پایان سال مالی شرکت پایان اسفند ماه بوده و در طول دوره تحقیق نیز، تغییر سال مالی نداشته باشد؛ (۳) اطلاعات مالی شرکت در دسترس بوده باشد؛ (۴) از مجموعه شرکت‌های سرمایه‌گذاری، هلدینگ و واسطه‌ای مانند بانک و بیمه نباشد. پس از اعمال این محدودیت‌ها، ۱۶۰ شرکت، همه شرایط حضور در جامعه آماری را داشته‌اند. لذا ۱۶۰ شرکت به عنوان جامعه آماری انتخاب شدند.

مدل پژوهش

به پیروی از مالیدا و انوار (۲۰۱۵) از مدل‌های رگرسیونی زیر به منظور آزمون فرضیه‌های تحقیق استفاده می‌شود:

مدل (۱) برای آزمون فرضیات اول تا سوم

$$ETR_{it} = \alpha_0 + \beta_1 BR_{it} + \beta_2 IN_{it} + \beta_3 CM_{it} + \beta_4 SIZE_{it} + \beta_5 LEVE_{it} + \beta_6 ROA_{it} + \varepsilon_{it}$$

مدل (۲) برای آزمون فرضیات چهارم تا ششم

$$DA_{it} = \alpha_0 + \beta_1 BR_{it} + \beta_2 IN_{it} + \beta_3 CM_{it} + \beta_4 SIZE_{it} + \beta_5 LEVE_{it} + \beta_6 ROA_{it} + \varepsilon_{it}$$

که در این مدل‌ها:

ETR: مدیریت مالیاتی، DA: مدیریت سود، BR: اندازه هیأت مدیره، IN: استقلال هیأت مدیره، CM: پاداش هیأت مدیره، ROA: بازده دارایی‌ها، SIZE: اندازه شرکت، LEVE: اهرم مالی شرکت و E: جزء خطا است.

متغیرهای پژوهش و نحوه سنجش آنها

متغیر وابسته: مدیریت مالیاتی (ETR)

مدیریت مالیات به عنوان توانایی پرداخت مالیات کم‌تر در دوره‌های زمانی بلندمدت تعریف می‌شود. به پیروی از زیمرمن (۱۹۸۳)، مالیدا و انوار (۲۰۱۵) و پورحیدری و همکاران (۱۳۹۲) در این تحقیق از نرخ مؤثر مالیاتی برای مدیریت مالیاتی استفاده شده است. نرخ مؤثر مالیاتی به عنوان نسبت هزینه مالیات ابرازی به سود عملیاتی تعریف شده است.

$$ETR_{it} = \frac{Tax\ Expense_{it}}{Operation\ Earning_{it}} \quad \text{رابطه (۱)}$$

ETR: مدیریت مالیاتی (نرخ مؤثر مالیات)، Taxexpenses: هزینه مالیات ابرازی شرکت
I در سال T، Operation Earning: سود عملیاتی شرکت i در سال t

متغیر مستقل:

مدیریت سود

بر اساس مطالعات انجام شده توسط دجو و همکاران (۱۹۹۵)، مدل تعدیل شده جونز و همکاران (۱۹۸۶) قوی‌ترین مدل برای اندازه‌گیری مدیریت سود است. بر این اساس در پژوهش حاضر از مدل مذکور برای محاسبه ارقام تعهدی اختیاری استفاده شده است. در مدل تعدیل شده جونز ابتدا کل ارقام تعهدی از تفاوت بین سود عملیاتی شرکت و جریان نقد عملیاتی به دست می‌آید. پس از محاسبه کل ارقام تعهدی، پارامترهای $\alpha_1, \alpha_2, \alpha_3$ به منظور تعیین ارقام تعهدی غیراختیاری، از طریق فرمول زیر برآورد می‌شوند:

$$\frac{TA_{it}}{ASSETS_{it-1}} = \alpha_1 \frac{1}{ASSETS_{it-1}} + \alpha_2 \frac{\Delta rev_{it}}{ASSETS_{it-1}} + \alpha_3 \frac{ppe_{it}}{ASSETS_{it-1}} + \varepsilon \quad \text{رابطه (۲)}$$

TA_{it} : کل ارقام تعهدی شرکت i در سال t، $ASSETS_{it}$: ارزش دفتری کل دارایی‌های شرکت شرکت i در سال t-1، ΔRev_{it} : تغییر در درآمد فروش شرکت i بین سال t و t-1، ppe_{it} : اموال، ماشین‌آلات و تجهیزات ناخالص شرکت i در سال t، ارقام تعهدی غیر اختیاری نیز به شرح زیر تعیین می‌شوند:

$$NDA_{it} = \alpha_1 \frac{1}{A_{it-1}} + \alpha_2 \frac{\Delta rev_{it} - \Delta rec_{it}}{A_{it-1}} + \alpha_3 \frac{ppe_{it}}{A_{it-1}} + \varepsilon \quad \text{رابطه (۳)}$$

در نهایت ارقام تعهدی اختیاری (DA_{it}) پس از تعیین NDA_{it} به صورت زیر محاسبه می‌شود.

$$DA_{it} = \frac{TA_{it}}{Assets_{it-1}} - NDA_{it} \quad \text{رابطه ۴}$$

اندازه هیأت مدیره: تعداد مدیرانی که عضو هیأت مدیره هستند (سجادی و زارعزاده‌مهریزی، ۱۳۹۰).

غیرموظف بودن اعضای هیأت مدیره: درصد اعضای غیرموظف هیأت مدیره از تقسیم تعداد اعضای غیرموظف هیأت مدیره به کل اعضای هیأت مدیره به دست می‌آید. اعضای غیرموظف سمت اجرایی در شرکت ندارند (سولومون، ۲۰۰۷).

پاداش هیأت مدیره: بر مبنای ماده ۲۴۱ و ۱۳۴ قانون تجارت مجمع عمومی می‌تواند، نسبت معینی از سود خالص سالانه شرکت را به عنوان پاداش به اعضای هیأت مدیره تخصیص دهد؛ با این شرط که میزان پاداش در نظر گرفته شده برای مدیران نباید در شرکت‌های سهامی عام از ۵ درصد سودی که در همان سال به صاحبان سهام پرداخت می‌شود و در شرکت‌های سهامی خاص از ۱۰ درصد سودی که در همان سال به صاحبان سهام پرداخت می‌شود، تجاوز کند. این متغیر از صورت سود و زیان قابل استخراج است (سجادی و زارعزاده، ۱۳۹۰).

متغیرهای کنترلی

اندازه شرکت: عبارت است از لگاریتم طبیعی جمع دارایی‌های هر شرکت در هر سال.

اهرم مالی: عبارت است از نسبت جمع بدهی‌های بهره‌دار به جمع دارایی‌های شرکت در هر سال.

بازده دارایی: عبارت است از نسبت سود خالص به جمع دارایی‌های شرکت در هر سال.

یافته‌های پژوهش

آماره‌های توصیفی متغیرهای تحقیق بعد از نرمال‌سازی و حذف داده‌های پرت به شرح جدول ۱ می‌باشد. در این جدول، میانگین متغیرهای تحقیق بیان شده است:

متوسط مدیریت مالیاتی شرکت‌ها ۸٪ می‌باشد؛ این مطلب نشان می‌دهد به طور متوسط نرخ واقعی مالیات شرکت‌ها ۸٪ درآمد قبل از کسر مالیات می‌باشد. همچنین میانگین اندازه هیأت مدیره ۵ نفر و میانگین اعضای غیرموظف عضو هیأت مدیره نیز ۵۰٪ بوده است. همچنین در بین متغیرهای تحقیق، مدیریت مالیاتی و اندازه شرکت به ترتیب دارای کم‌ترین و بیش‌ترین میزان پراکندگی (انحراف معیار) می‌باشند.

جدول ۱: آماره‌های توصیفی تحقیق

متغیرها	میانگین	میانها	حداکثر	حداقل	انحراف معیار
ETR	%۸	%۶	%۳۱	%۵	%۹
DA	%۱۲	%۹	%۳۳	-%۸۲	%۲۸
BR	۵/۱۲	۵	۷	۵	%۴۸
IN	%۵۰	%۴۰	۱	%۰	%۲۰
CM	۴۳۸۷	۲۹۵۴	۹۴۳۷۰	۰	%۷۰
SIZE	۵/۹۵	۶	۸	۴/۴۸	%۷۳
LEVE	%۶۰	%۶۴	%۷۹	%۱۰	%۱۶
ROA	%۱۵	%۹	%۷۹	%۱	%۱۷

آزمون پایایی پژوهش

قبل از برآورد مدل‌ها و آزمون فرضیه‌های پژوهش، باید پایایی متغیرها بررسی شود. وجود متغیرهای ناپایا در مدل سبب می‌شود تا آزمون‌های تی استیودنت و فیشر از اعتبار لازم برخوردار نباشند و کمیته‌های بحرانی ارائه شده توسط توزیع‌های مذکور، مقادیر صحیحی برای انجام آزمون‌های آماری نباشند. برای بررسی پایایی متغیرهای پژوهش، از آزمون‌های ریشه واحد لوین، لین و چو، ایم، پسران و شین، دیکی فولر، تعمیم یافته، و آزمون فیلیپس و پرون استفاده شده و نتایج در جدول ۲ ارائه گردیده‌اند.

جدول ۲: آزمون پایایی برای متغیرها

متغیرها	لوین، لین و چو		ایم، پسران و شین		فیشر و دیکی فولر		فیشر، فیلیپس / پرو	
	آماره	p.v	آماره	p.v	آماره	p.v	آماره	p.v
ETR	-۱۵/۳۹	۰/۰۰۰	-۱/۶	۰/۰۴	۲۹۸/۳	۰/۰۰۰	۴۱۶/۲	۰/۰۰۰
DA	-۴۲/۸	۰/۰۰۰	-۱۲/۵	۰/۰۰۰	۷۵۶/۶	۰/۰۰۰	۹۱۶/۷	۰/۰۰۰
IN	-۴۱/۲	۰/۰۰۰	-۸/۷	۰/۰۰۰	۳۴۸/۴	۰/۰۰۰	۴۳۲/۹	۰/۰۰۰
CM	-۳۰/۲	۰/۰۰۰	-۸/۱	۰/۰۰۰	۴۶۹/۵	۰/۰۰۰	۶۲۳/۳	۰/۰۰۰
SIZE	-۳۲/۶	۰/۰۰۰	-۹/۷	۰/۰۰۰	۶۷۳/۷	۰/۰۰۰	۸۵۹/۳	۰/۰۰۰
LEVE	-۲۴/۷	۰/۰۰۰	-۳/۹	۰/۰۰۰	۴۸۵/۵	۰/۰۰۰	۵۷۷/۶	۰/۰۰۰
ROA	-۳۱/۱	۰/۰۰۰	-۳/۸	۰/۰۰۰	۴۱۶/۶	۰/۰۰۰	۵۱۸/۴	۰/۰۰۰

نتایج نشان می‌دهد که تمام متغیرهای پژوهش، در سطح ۵٪ پایا هستند و استفاده از آنها در برآورد مدل‌های پژوهش، منجر به نتایج کاذب نمی‌شود.

تخمین مدل به وسیله داده‌های ترکیبی

برای بررسی نوع آزمون مدل در مقاطع و دوره‌های زمانی مختلف داده‌های ترکیبی، از آزمون F مقید (چاو) و آزمون هاسمن در جدول ۳ استفاده شده است. در آزمون F لیمر، فرضیه H_0 یکسان بودن عرض از مبدأها (داده‌های تلفیقی) در مقابل فرضیه مخالف H_1 ناهمسانی عرض از مبدأها (روش داده‌های تابلویی) قرار می‌گیرد. نتایج حاصل از F مقید و هاسمن نشان می‌دهد که روش مورد نیاز برای تخمین مدل اول تحقیق مدل داده‌های تلفیقی می‌باشد (سطح خطا بیش‌تر از ۵٪). اما روش مورد نیاز برای تخمین مدل دوم، روش تابلویی است (سطح خطا کوچک‌تر از ۵٪) که برای تعیین روش اثرات ثابت یا تصادفی باید از آزمون هاسمن استفاده شود. از آنجا که احتمال آزمون هاسمن در مدل دوم کم‌تر از ۵٪ است نوع مدل منتخب "اثرات ثابت" خواهد بود.

جدول ۳: نتایج آزمون F لیمر (همسانی عرض از مبدأهای مقاطع)

نوع آزمون	p-v	آماره F	مدل	آزمون چاو
داده‌های تلفیقی	۱۳٪	۱/۶۴	مدل اول - مدیریت مالیاتی	یکسانی عرض از مبدأهای مقاطع
داده‌های تابلویی	۰/۰۰۰	۷/۵	مدل دوم - مدیریت سود	عدم یکسانی عرض از مبدأهای مقاطع
نتیجه آزمون	p.v	Chi.sq	مدل پژوهش	آزمون هاسمن - داده‌های تابلویی
اثرات ثابت	۰/۰۰۰	۴۵/۵	مدل دوم - مدیریت سود	ارتباط بین متغیرهای مستقل و خطای تخمین رگرسیون

همسانی واریانس

برای همسانی واریانس باقیمانده مدل نیز از آزمون‌های بروش - پاگان گادفری، آزمون هاروی، آزمون وایت و آزمون لاگرانژ در جدول ۴ استفاده شد که نتایج این آزمون‌ها نشان‌دهنده همسانی واریانس بوده و به عبارتی باقیمانده‌های حاصل از تخمین مدل تحقیق، دارای واریانس ثابت بوده است. لذا برای تخمین مدل تحقیق از روش حداقل مربعات معمولی (OLS) استفاده می‌شود.

جدول ۴: نتایج آزمون همسانی واریانس باقیمانده‌های مدل رگرسیون

شرح	آزمون بروش-پاگان	آزمون هاروی	آزمون White	آزمون LM
مدل اول	آماره F	۱/۳۰	۱/۲۳	۱/۲۹
	p.v	%۲۵	%۲۸	%۲۵
مدل دوم	آماره F	%۸۱	%۹۸	%۷۸
	p.v	%۵۵	%۴۳	%۵۸

نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌ها برای آزمون مدل اول پژوهش در جدول ۵ نشان داده شده است:

جدول ۵: نتایج آزمون مدل اول پژوهش

شرح	ضریب	خطای معیار	تی استیودنت	سطح خطا	VIF
عرض از مبدأ	%۱۳	%۳	۳/۳۶	۰/۰۰۰	
BR	-%۱	%۰۰۵	-۲/۷۴	۰/۰۰۰	۱/۰۲
IN	-%۱	%۰۰۹	۲/۰۴	۰/۰۰۴	۱/۰۱
CM	-%۷	%۳	-۲/۵۲	۰/۰۰۰	۱/۰۰۹
SIZE	%۱	%۰۰۳	۲/۹۰	۰/۰۰۰	۱/۰۱
LEVE	-%۲	%۱	-۱/۲۸	۰/۲۰	۱/۰۱
ROA	%۴	%۱	۲/۶	۰/۰۰۰	۱/۰۱
Durbin-Watson stat			۱/۷۱		
Adjusted R-squared			%۵۸		
F-statistic			۴/۶۹ (۰/۰۰۰)		

زمانی که مقدار آماره VIF کم‌تر از ۵ (در برخی دیگر از منابع عدد ۱۰ نیز ذکر شده است) باشد، شواهدی از وجود همخطی چندگانه بین متغیرهای مستقل مدل وجود ندارد. مقدار شاخص عامل تورم واریانس نشان می‌دهد که متغیرهای مستقل مدل اول با هم مشکل همخطی شدید ندارند. معناداری آماره فیشر (۴/۶۹) در سطح ۵٪ حاکی از معناداری کلی مدل برآورد شده است. مقدار آماره دوربین واتسون (۱/۷۱) حاکی از عدم وجود مشکل خودهمبستگی سریالی مرتبه اول در اجزای اخلال مدل برآورد شده است، لذا نتایج مدل برآورد شده کاذب نیست و تخمین مدل قابل اتکا است. علاوه بر این ضریب تعیین تعدیل شده (R^2) ۵۸٪ است. این عدد نشان می‌دهد که

تقریباً ۵۸/۰ درصد از تغییرات متغیر وابسته را می‌توان به متغیرهای مستقل و کنترلی نسبت داد و ۴۲/۰ درصد دیگر ناشی از سایر عوامل بوده که از دسترس محقق خارج می‌باشد. هر چه مقدار این شاخص بزرگ‌تر باشد پراکندگی نقاط حول خط رگرسیون بیش‌تر خواهد بود.

فرضیه اول "اندازه هیأت مدیره بر مدیریت مالیاتی تأثیر معناداری دارد"

با توجه به نتایج جدول ۵ آماره t مربوط به متغیر مستقل اندازه هیأت مدیره (BR) و سطح معناداری آن (P-value) به ترتیب $-۲/۷۴$ و $۰/۰۰$ بوده و ضریب آن نیز ۱% است. با توجه به این که سطح خطای در نظر گرفته شده برای این پژوهش $۰/۰۵$ بوده است، بنابراین متغیر اندازه هیأت مدیره تأثیر معناداری بر مدیریت مالیاتی داشته و فرضیه اول پژوهش در سطح اطمینان ۹۵% مورد تأیید قرار می‌گیرد. ضریب متغیر (BR) منفی می‌باشد. در نتیجه، با افزایش اندازه هیأت مدیره، مدیریت مالیاتی کاهش می‌یابد. نتایج یافته‌های مربوط به این فرضیه با نتایج تحقیق لنیس و ریچاردسون (۲۰۱۱) همخوانی دارد.

فرضیه دوم "استقلال هیأت مدیره بر مدیریت مالیاتی تأثیر معناداری دارد"

با توجه به نتایج جدول ۵ آماره t مربوط به متغیر مستقل استقلال هیأت مدیره (IN) و سطح معناداری آن (P-value) به ترتیب $-۲/۰۴$ و ۴% بوده و ضریب آن نیز ۱% است. با توجه به اینکه سطح خطای در نظر گرفته شده برای این پژوهش $۰/۰۵$ بوده است، بنابراین متغیر استقلال هیأت مدیره تأثیر معناداری بر مدیریت مالیاتی داشته و فرضیه دوم پژوهش نیز در سطح اطمینان ۹۵% مورد تأیید قرار می‌گیرد. ضریب متغیر (IN) منفی می‌باشد. در نتیجه، با افزایش استقلال هیأت مدیره، مدیریت مالیاتی کاهش می‌یابد. نتایج یافته‌های مربوط به این فرضیه با نتایج تحقیق لنیس و ریچاردسون (۲۰۱۱)، مالیدا و انوار (۲۰۱۵)، دیدار و همکاران (۱۳۹۳) همخوانی دارد.

فرضیه سوم "پاداش هیأت مدیره بر مدیریت مالیاتی تأثیر معناداری دارد"

با توجه به نتایج جدول ۵ آماره t مربوط به متغیر مستقل پاداش هیأت مدیره (CM) و سطح معناداری آن (P-value) به ترتیب $-۲/۵۲$ و $۰/۰۰$ بوده و ضریب آن نیز ۷% است. با توجه به این که سطح خطای در نظر گرفته شده برای این پژوهش $۰/۰۵$ بوده است، بنابراین متغیر پاداش هیأت مدیره تأثیر معناداری بر مدیریت مالیاتی داشته و فرضیه سوم پژوهش نیز در سطح اطمینان ۹۵% مورد تأیید قرار می‌گیرد. ضریب متغیر (CM) منفی می‌باشد. در نتیجه، با افزایش پاداش هیأت مدیره، مدیریت مالیاتی کاهش می‌یابد. نتایج یافته‌های مربوط به این فرضیه با نتایج تحقیق مینیک و نوگا (۲۰۱۰)، لنیس و ریچاردسون (۲۰۱۱) همخوانی دارد.

نتایج آزمون مدل دوم تحقیق در سطح داده‌های ترکیبی به شرح زیر بیان می‌شود:

جدول ۶: نتایج آزمون مدل دوم پژوهش

شرح	ضریب	خطای معیار	تی استیودنت	سطح خطا	VIF
عرض از مبدأ	٪۱۵	٪۶	۲/۲۳	٪۳	
BR	-٪۴	۰/۰۱	-۲/۶۷	۰/۰۰۰	۱/۰۲
IN	-۷۵	۰/۰۱۸	۳/۹۸	۰/۰۰۰	۱/۰۱
CM	-٪۴	۰/۰۱۸	-۲/۷۱	۰/۰۰۰	۱/۰۱
SIZE	٪۲	٪۰۰۷	۲/۹۹	۰/۰۰۰	۱/۰۱
ROA	٪۶	٪۳	۲/۱۸	٪۳	۱/۰۱
LEVE	٪۱	٪۰۰۷	۲/۱۲	٪۳	۱/۰۱
			۱/۹۹		
			<i>Durbin-Watson stat</i>		
			٪۴۲		
			<i>Adjusted R-squared</i>		
			۴/۳۷		
			<i>(p.v) F-statistic</i>		
			(۰/۰۰۰۰)		

مقدار شاخص عامل تورم واریانس نشان می‌دهد که متغیرهای مستقل مدل اول با هم مشکل همخطی شدید ندارند. معناداری آماره فیشر (۴/۷) در سطح ۵٪ حاکی از معناداری کلی مدل برآورد شده است. مقدار آماره دوربین واتسون (۱/۹۹) حاکی از عدم وجود مشکل خودهمبستگی سریالی مرتبه اول در اجزای اخلاص مدل برآورد شده است، لذا نتایج مدل برآورد شده کاذب نیست و تخمین مدل قابل اتکاست. علاوه بر این ضریب تعیین تعدیل شده (R^2) ۴۲٪ است. این عدد نشان می‌دهد که تقریباً ۴۲٪ درصد از تغییرات متغیر وابسته را می‌توان به متغیرهای مستقل و کنترلی نسبت داد و ۵۸٪ درصد دیگر ناشی از سایر عوامل بوده که از دسترس محقق خارج می‌باشد. هر چه مقدار این شاخص بزرگ‌تر باشد پراکندگی نقاط حول خط رگرسیون بیش‌تر خواهد بود.

فرضیه چهارم "اندازه هیأت مدیره بر مدیریت سود تأثیر معناداری دارد"

با توجه به نتایج جدول ۶ آماره t مربوط به متغیر مستقل اندازه هیأت مدیره (BR) و سطح معناداری آن (P-value) به ترتیب ۲/۶۷- و ۰/۰۰ بوده و ضریب آن نیز ۴٪- است. با توجه به اینکه سطح خطای در نظر گرفته شده برای این پژوهش ۰/۰۵ بوده است، بنابراین متغیر اندازه هیأت مدیره تأثیر معناداری بر مدیریت سود داشته و فرضیه چهارم پژوهش در سطح اطمینان ۹۵٪ مورد تأیید قرار می‌گیرد. ضریب متغیر (BR) منفی می‌باشد. در نتیجه، با افزایش اندازه هیأت مدیره، مدیریت سود کاهش می‌یابد. این نتیجه بدین معناست که با توجه به نقش نظارتی اعضای هیأت مدیره هر چه تعداد این افراد بیش‌تر باشد معمولاً اعمال مدیریت سود به خاطر

تضاد منافع اعضا و ذی‌نفعان کم‌تر می‌باشد و اعضای هیأت مدیره اجازه فرصت‌طلبی به مدیران در دستکاری سود را نمی‌دهند. نتایج یافته‌های مربوط به این فرضیه با نتایج تحقیق جادسون و لوکس (۲۰۱۴) و مالیدا و انوار (۲۰۱۵) همخوانی دارد.

فرضیه پنجم " استقلال هیأت مدیره بر مدیریت مالیاتی تأثیر معناداری دارد "

با توجه به نتایج جدول ۶ آماره t مربوط به متغیر مستقل استقلال هیأت مدیره (IN) و سطح معناداری آن (P-value) به ترتیب $-۳/۹۸$ و $۰/۰۰$ بوده و ضریب آن نیز $۰/۷$ - است. با توجه به این که سطح خطای در نظر گرفته شده برای این پژوهش $۰/۰۵$ بوده است، بنابراین متغیر استقلال هیأت مدیره تأثیر معناداری بر مدیریت سود داشته و فرضیه پنجم پژوهش در سطح اطمینان ۹۵% مورد تأیید قرار می‌گیرد. ضریب متغیر (IN) منفی می‌باشد. در نتیجه، با افزایش استقلال هیأت مدیره، مدیریت سود کاهش می‌یابد. این نتیجه بدین معناست که نقش مدیران غیر موظف در ایران مطابق با تئوری نمایندگی است و توانایی این ابزار نظارتی در کاهش مدیریت سود شرکت‌ها قوی است. بر اساس تئوری نمایندگی، حضور مدیران غیرموظف مستقل در هیأت مدیره شرکت‌ها و عملکرد نظارتی آن‌ها به عنوان افرادی مستقل، به کاهش تضاد منافع موجود میان سهامداران و مدیران شرکت بسیار کمک می‌کند. نتایج یافته‌های مربوط به این فرضیه با نتایج تحقیق جادسون و لوکس (۲۰۱۴)، مالیدا و انوار (۲۰۱۵) و احمدپور و همکاران (۱۳۸۸) همخوانی دارد.

فرضیه ششم " پاداش هیأت مدیره بر مدیریت سود تأثیر معناداری دارد "

با توجه به نتایج جدول ۶ آماره t مربوط به متغیر مستقل پاداش هیأت مدیره (CM) و سطح معناداری آن (P-value) به ترتیب $-۲/۷۱$ و $۰/۰۰$ بوده و ضریب آن نیز $۰/۴$ - است. با توجه به این که سطح خطای در نظر گرفته شده برای این پژوهش $۰/۰۵$ بوده است، بنابراین متغیر پاداش هیأت مدیره تأثیر معناداری بر مدیریت سود داشته و فرضیه ششم پژوهش نیز در سطح اطمینان ۹۵% مورد تأیید قرار می‌گیرد. ضریب متغیر پاداش هیأت مدیره نیز منفی می‌باشد. در نتیجه، نوع رابطه بین پاداش هیأت مدیره و مدیریت سود رابطه‌ای منفی و معکوس است. در واقع هرچه مدیران پاداش بیشتری دریافت کنند کم‌تر اقدام به دستکاری سود نموده و انگیزه دستکاری آن‌ها کم‌تر می‌شود چرا که با افزایش پاداش پرداختی به آن‌ها، آن‌ها به یکی از مهم‌ترین اهداف خود که همان افزایش پاداش می‌باشد رسیده‌اند. نتایج یافته‌های مربوط به این فرضیه با نتایج تحقیق مالیدا و انوار (۲۰۱۵) همخوانی دارد.

نتیجه‌گیری

مالیات از جمله هزینه‌هایی است که در صورت سود و زیان نشان داده می‌شود و معمولاً بخش عمده‌ای از درآمد یک واحد اقتصادی را به خود اختصاص می‌دهد. در این راستا با در نظر گرفتن نرخ مؤثر مالیاتی به عنوان نمادی از مدیریت مالیات، این تحقیق به دنبال تبیین تأثیر ویژگی‌های حاکمیت شرکتی و مدیریت سود و بر مدیریت مالیاتی در بورس اوراق بهادار تهران بود. نتایج نشان داد که استقلال هیأت مدیره و اندازه هیأت مدیره بر مدیریت مالیاتی تأثیر منفی و معنی‌داری دارند. ساز و کارهای راهبری از اجزای مختلفی تشکیل شده است. هیأت مدیره کارا یکی از این اجزاء می‌باشد. هیأت مدیره و مدیر عامل نقشی غیرقابل انکار در انتخاب راهبرد مدیریت مالیات ایفا می‌کنند، زیرا این افراد باید درباره تخصیص بهینه منابع شرکت، عملکرد آن و همچنین افزایش ثروت سهامداران پاسخگو باشند. از دیدگاه نظری، هنگامی که هیأت مدیره مستقل و از نسبت بالایی از اعضای غیر موظف تشکیل شده باشد، عملکرد شرکت ارتقا می‌یابد. ضمن اینکه، هیأت مدیره‌های مستقل‌تر در یک موقعیت بهتر برای سوق دادن منابع به سمت مدیریت مالیات هستند، زیرا آن‌ها به دلیل استقلالشان یک بینش وسیع‌تر از شرکت و عملکرد کلی آن دارند. همچنین یک رابطه منفی بین متغیر استقلال هیأت مدیره، اندازه هیأت مدیره و پاداش هیأت مدیره با مدیریت سود مشاهده شد. یعنی با افزایش اندازه هیأت مدیره و مخصوصاً اعضای مستقل، مدیریت سود کاهش می‌یابد. این نتیجه بدین معناست که نقش مدیران غیرموظف در ایران مطابق با تئوری نمایندگی است و توانایی این ابزار نظارتی در کاهش مدیریت سود شرکت‌ها قوی است. زیرا اعضای موظف به دلیل دخالت در روند اجرایی شرکت انگیزه و اختیار لازم را در مدیریت سود خواهند داشت ولیکن اعضای غیر موظف به واسطه نقش نظارتی مدیریت کلان شرکت از انگیزه کم‌تری در مدیریت سود برخوردارند. همچنین هرچه پاداش هیأت مدیره بیشتر باشد انگیزه مدیران به منظور دستکاری سود جهت پاداش بیشتر کاهش می‌یابد.

پیشنهادها

شرکت‌هایی که در راستای رسیدن به نرخ مطلوب اجتناب مالیاتی در طرح‌های مالیات کاه سرمایه‌گذاری می‌کنند و در پی مدیریت مالیات می‌باشند، از پیچیدگی مالیاتی بیش‌تری برخوردار می‌شوند. از این رو، پیشنهاد می‌شود حسابرسان و ممیزین مالیاتی در رسیدگی‌های خود به عواملی که طبق نتایج این تحقیق بر مدیریت مالیات مؤثر هستند توجه لازم را داشته باشند. همچنین از آنجا که تأثیر استقلال اعضای هیأت مدیره بسیار بااهمیت می‌باشد و حضور عضو

مستقل هیأت مدیره می‌تواند به کارآمد بودن و اقتصادی و قانونی بودن آن تصمیم‌ها کمک نماید و از آنجا که تعداد زیادی از شرکت‌های ایرانی فاقد این عضو موظف هستند، توصیه می‌شود آئین‌نامه نظام راهبری در این خصوص رعایت گردد و تعدادی از اعضای هیأت مدیره شرکت‌ها الزاماً مستقل باشند. علاوه بر این به توجه به اهمیت ساختار اصول راهبری شرکت‌ها و از طرف دیگر اهمیت مالیات و سود شرکت به سرمایه‌گذاران و سایر ذی‌نفعان پیشنهاد می‌شود در تصمیم‌گیری‌هایشان نتایج این تحقیق را مدنظر قرار دهند.

منابع

- آقایی، م.، انواری‌رستمی، ا.، ساری، م. و سلمانی، ی. (۱۳۹۴). ”بررسی نقش حاکمیت شرکتی در طرح‌ریزی مالیات شرکت‌ها“. *راهبرد مدیریت مالی*، ۳ (۲)، ۲۱-۱.
- احمدپور، ا.، ملکیان، ا. و کردتبار، ح. (۱۳۸۸). ”بررسی تأثیر مدیران غیر موظف و سرمایه‌گذاران نهادی در رفتار مدیریت سود (مدیریت سود مبتنی بر مدل آستانه)“. *تحقیقات حسابداری و حسابرسی*، ۸ (۳۳)، ۳۶-۲۰.
- اعتمادی، ح.، محمدی، ا. و ناظمی‌اردکانی، م. (۱۳۸۸). ”بررسی رابطه بین تخصص صنعت حسابرس و کیفیت سود در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران“. *پژوهش‌های حسابداری مالی*، ۱ (۲-۱)، ۳۲-۱۷.
- بندریان، ا. (۱۳۹۵). ”بررسی تأثیر محافظه‌کاری حسابداری بر رابطه بین مدیریت سود و گزارشگری مالیاتی متهورانه در بورس اوراق بهادار تهران“. *مجله پژوهش‌های حسابداری*، ۶ (۳)، ۴۰-۲۳.
- پورحیدری، ا.، فدوی، م. و امینی‌نیا، م. (۱۳۹۲). ”بررسی تأثیر اجتناب از پرداخت مالیات بر شفافیت گزارشگری مالی در بورس تهران“. *فصلنامه پژوهشنامه اقتصادی*، ۱۴ (۵۲)، ۸۵-۶۹.
- حبیبی‌کمیحانی، ع. (۱۳۹۰). عوامل مؤثر بر ارتقاء تمکین مؤدیان مالیاتی اداره کل مالیاتی استان مرکزی. پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اراک.
- خانی، ع. و سلطانی، ع. (۱۳۹۲). ”گزارشگری مالی متهورانه و رابطه آن با گزارشگری مالیاتی متهورانه“. *مجله اقتصادی*، ۵ (۶ و ۵)، ۱۶-۵.
- دیدار، ح.، منصورفر، غ. و کفعمی، م. (۱۳۹۳). ”بررسی تأثیر سازوکارهای حاکمیت شرکتی بر شکاف مالیاتی در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران“. *بررسی‌های حسابداری و مالی*، ۲۱ (۴)، ۴۳۰-۴۰۹.

طالب‌نیا، ق. و موثق، ر. (۱۳۹۰). "علل عمده وجود اختلاف بین سود ابرازی و سود مشمول مالیات قطع شده اشخاص حقوقی". *پژوهشنامه حسابداری مالی و حسابرسی*، ۳ (۱۱)، ۱۳۳-۱۵۴.

سجادی، س.ح. و زارع‌زاده‌مهریزی، م.ص. (۱۳۹۰). "بررسی رابطه بین طرح‌های پاداش مدیران و معیارهای اقتصادی ارزیابی عملکرد در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران". *مجله پژوهش‌های حسابداری مالی*، ۳ (۴)، ۴۱-۵۴.

مهرانی، س. و باقری، ب. (۱۳۸۸). "بررسی اثر جریان‌های نقد آزاد و سهامداران نهادی بر مدیریت سود در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران". *تحقیقات حسابداری و حسابرسی*، (۲)، ۵۰-۷۱.

هرمزی، ز. (۱۳۹۵). بررسی اثر تعدیل‌کنندگی استقلال هیأت مدیره بر رابطه بین ساختار مالکیت و اجتناب از مالیات در بورس اوراق بهادار تهران. پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد حسابداری، دانشگاه آزاد مرکز بین‌المللی خلیج فارس.

Annuaire, H.A., Salihu, I.A. and Normala, S. (2015). "Corporate Ownership, Governance and Tax Avoidance: an Interactive Effects. International Conference on Accounting Studies, 164 .150-160.

Cohen, D.A. and Zarowin, P. (2010). "Accrual-Based and Real Earnings Management Activities around Seasoned Equity Offerings". *Journal of Accounting and Economics*, 50 (1): 2-19.

Chen J.Z., Rees, L. and Sivaramakrishnan, K. (2008). On the Use of Accounting vs. Real Earnings Management to Meet Earnings Expectations-A Market Analysis. Available From: [Http://Ssrn.Com/Abstract=10701220](http://Ssrn.Com/Abstract=10701220)

Dhaliwal, D.S. (2009). Book Tax Differences, Uncertainty About Information Quality and Cost of Capital, Working Paper.

Dechow, P.M., Sloan, R.G. and Sweeney, A.P. (1995). "Detecting Earnings Management". *The Accounting Review*, 70 (2): 193-225.

Erickson, M., Hanlon, M. and Maydew, E.L. (2004). "How much will Firms Pay for Earnings that do not Exist? Evidence of Taxes Paid on Allegedly Fraudulent Earnings". *The Accounting Review*, 79 (2): 387-408.

Ewert, R. and Wagenhofer, A. (2005). "Economic Effects of Tightening Accounting Standards to Restrict Earnings Management". *The Accounting Review*, 80 (4): 1101-1124.

Judson, C. and Laux, V. (2014). Corporate Governance, Accounting Conservatism, and Manipulation, Electronic Copy Available at: [Http://Ssrn.Com/Abstract=2251378](http://Ssrn.Com/Abstract=2251378)

- Lanis, R. and Richardson, G. (2011). "The Effect of Board of Director Composition on Corporate Tax Aggressiveness". *Journal of Accounting and Public Policy*, 30 (1): 50-70.
- Minnick, K. and Noga, T. (2010). "Do Corporate Governance Characteristics Influence Tax Management". *Journal of Corporate Finance*, 16 (5): 703-718.
- Mulyadi, M.S. and Anwar, Y. (2015). "Corporate Governance, Earnings Management And Tax". *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 177: 363-366.
- Roychowdhury, S. (2006). "Management of Earnings through the Manipulation of Real Activities that Affect Cash Flow from Operation". *Journal of Accounting and Economics*, 42: 335-370.
- Saiedi, P. and Kalami, A. (2012). "The Impact if Changes if the Corporate Income Tax Rules on Productive Investment Firms". *Journal of Management*, 7: 93-112 [In Persian].
- Solomon, J. (2007). *Corporate Governance and Accountability*. Second Edition, John Wiley & Sons, Ltd, England.
- Watts, R.L. and Zimmerman J.L. (1983). "Towards a Positive Theory of the Determination of Accounting Standards". *The Accounting Review*, (January 1978), 53 (1): 112-134.
- Wolk, H.I., Dodd, J. and Rozycki, J. (2013). *Accounting Theory, Conceptual Issues in a Political and Economic Environment*, Sega Publication Edition 8, United States Of America.